

Designing a Conceptual Model of Geopolitical Relations in Southwest Asia

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Mazandarani, D, M.sc
Janparvar, M, PhD*

1, M.sc student in Political
Geography, Ferdowsi
University of Mashhad.
2 Assistant Professor in
Political Geography, Ferdowsi
University of Mashhad

Correspondence*

Address:

Department of Political
Geography, Faculty of
Humanities, Ferdowsi
University of Mashhad.
Email: janparvar@um.ac.ir

Article History

Received: 28, June, 2020
Accepted: 16, September, 2020

Conceptual models are representations of a system that easily show us the abstract concepts of the relationships between objects in the system. In fact, no matter how systematic and meaningful the drawing of models in the field of science, it can improve the understanding of issues and topics. Meanwhile, the region of Southwest Asia is of special geopolitical importance due to its privileged geographical facilities and locations, as well as its rich resources. But the developments in this region have caused the involvement of various actors. These actors, with different and even contradictory goals, ideologies and behaviors, have caused the crisis in the region to continue. In other words, no matter how much the geographical source of power is geopolitically appropriate, if there is a basis for more attractiveness to log in and the role of actors too large and large. If you are currently presenting a new tariff on geopolitics and dividing geopolitical actors into three groups: main and focal actors, semi-peripheral actors and peripheral actors, in the next step you have tried to systematically present the geopolitical relations of Southwest Asia by presenting a conceptual model. Because accurate knowledge of the geopolitical relations between these actors allows geopoliticians to formulate the best strategy for the volatile region of Southwest Asia.

Keywords: Geopolitics, Conceptual Model, Geopolitical Relations, Southwest Asia.

طراحی مدل مفهومی مناسبات ژئوپلیتیک در جنوب غرب آسیا

مقدمه

مدل و مدل‌سازی در عرصه علمی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. به هر میزان ترسیم مدل‌ها در عرصه علمی نظام مند و معنی دار باشد، می‌تواند زمینه درک مسائل و مباحث را بهتر و دقیق‌تر نماید. چرا که مدل یک "نمایش ساده شده یا انتزاع واقعیت" است. که آن یک رویداد، شی، یا فرآیند واقعی را توصیف، بازتاب، یا تکرار می‌کند، اما آن را "توضیح" نمی‌دهد [۱]. مدل‌های مفهومی، نمایشی از یک سیستم هستند که از مفاهیم و ایده‌ها برای شکل دادن به نمایش مذکور استفاده می‌کنند. در واقع، مدل‌سازی مفهومی به عنوان روشی برای توصیف جنبه‌های فیزیکی یا اجتماعی جهان به روش انتزاعی استفاده می‌شود [۲]. یک مدل مفهومی دقیق، محقق را قادر خواهد ساخت تا عوامل مطالعه را مرتبط سازد و نوع صحیح اطلاعات را از یک نمونه مناسب بدون تعصب جمع‌آوری کند و تحلیل مناسب داده‌های جمع‌آوری شده را تسهیل کند. این گام در تحقیق نیز دستیابی به دیگر نشانه‌های تحقیق را ممکن می‌سازد [۳].

منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن امکانات و موقعیت‌های ممتاز جغرافیایی و همچنین با داشتن منابع غنی از اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی برخوردار می‌باشد. این منطقه که در محل اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد، محل پیدایش اولین تمدن بشری بوده و خاستگاه اولیه ادیان توحیدی به شمار می‌آید. وجود تنگه‌های مهم و استراتژیک و منابع زیرزمینی و سرزمینی غنی و وجود منابع فسیلی و معادن فلزی و غیرفلزی اهمیت آن را دوچندان نموده است؛ اما عوامل واگرایی در منطقه جنوب غرب آسیا بسیار زیاد است و کشورهای این منطقه همواره با چالش‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی، جنگ، توسعه‌نیافتگی و حتی فقر و فلاکت انسانی، بحران آب، مشکلات زیست محیطی، مسائل و مشکلات جمعیتی، اختلافات مرزی و سرزمینی، تنوعات قومی و مذهبی و... مواجه بوده‌اند که موجب بحران‌هایی در این منطقه شده است [۴]. به عبارت دیگر، در منطقه جنوب غرب آسیا تعارضات ایدئولوژیکی، تحولات استراتژیک و ژئوپلیتیک همواره از نمود بالایی برخوردار بوده است؛ به گونه‌ای که این منطقه بیش از آن‌که شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و هم‌گرایی باشد، حول محور چالش‌های امنیتی درون منطقه‌ای شکل گرفته است [۵]. ناآرامی‌ها و التهابات چندسال اخیر در منطقه جنوب غرب آسیا، زمینه‌ها، روندها، بازیگران و پیامدهای متنوع و مختلفی داشته است. از یک طرف، بسترهای ملی و داخلی کشورهای منطقه،

دریا مازندرانی M.sc

دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد

محسن جان پرور PhD*

استادیار، جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد

چکیده

مدل‌های مفهومی، نمایشی از یک سیستم هستند که به راحتی مفاهیم انتزاعی روابط بین اشیاء در سیستم را به ما نشان می‌دهند. در واقع، به هر میزان ترسیم مدل‌ها در عرصه علمی نظام‌مند و معنی‌دار باشد، می‌تواند زمینه درک مسائل و مباحث را بهتر و دقیق‌تر نماید. در این میان، منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن امکانات و موقعیت‌های ممتاز جغرافیایی و همچنین با داشتن منابع غنی از اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی برخوردار می‌باشد. اما تحولات این منطقه سبب درگیر شدن بازیگران متنوع و متفاوتی شده است. این بازیگران، با اهداف، ایدئولوژی و رفتار متفاوت و حتی متضاد سبب تداوم بحران در منطقه شده‌اند. به بیانی دیگر، به هر میزان منبع جغرافیایی قدرتی که زمینه‌ساز مناسبات ژئوپلیتیک است از ارزش بیشتری برخوردار باشد، زمینه برای جذابیت بیشتر جهت ورود و نقش‌آفرینی بازیگران بیشتر و بزرگ‌تری را فراهم می‌آورد. بنابراین تحقیق حاضر ضمن ارائه تعریفی نو از ژئوپلیتیک و تقسیم بندی بازیگران ژئوپلیتیکی در سه گروه بازیگران مرکزی و کانونی، بازیگران نیمه پیرامونی و بازیگران پیرامونی، در گام بعدی سعی کرده است با ارائه یک مدل مفهومی، مناسبات ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا را به صورت نظام‌مند به تصویر بکشد. چرا که شناخت دقیق روابط ژئوپلیتیکی بین این بازیگران به ژئوپلیتیسین‌ها این امکان را می‌دهد که برای منطقه نا به سامان جنوب غرب آسیا، بهترین استراتژی را تدوین کنند.

کلمات کلیدی:

ژئوپلیتیک، مدل مفهومی، مناسبات ژئوپلیتیک، جنوب غرب آسیا.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

نویسنده مسئول: janparvar@um.ac.ir

کشورهای جهان به ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی [9].

-در تعریفی دیگر، ژئوپلیتیک عبارتست از مطالعه کاربردی روابط فضای جغرافیایی با سیاست، که تأثیر دو جانبه الگوی فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد [10].

-ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در مقیاس ملی و منطقه‌ای است [11].

-عزت‌الله عزتی: درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد [12]. با توجه به این تعاریف متعدد از ژئوپلیتیک در مقاله حاضر تعریف جان‌پرور نیز ژئوپلیتیک را دانش شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌داند [13].

۳- مناسبات ژئوپلیتیک

هنگامی که بحث مناسبات ژئوپلیتیک مطرح می‌شود، منظور مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک است زیرا، مناسبات تنها زمانی مطرح است که بازیگرانی در آن مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت نقش آفرینی داشته باشند، پس شناخت این بازیگران از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در دانش ژئوپلیتیک برخوردار هستند. باید توجه داشت مناسبات ژئوپلیتیک بر مبنای منابع جغرافیایی قدرت بین بازیگران مختلف و متعدد شکل می‌گیرد [13]. به بیانی دیگر، مناسبات ژئوپلیتیکی همان روابط ژئوپلیتیکی است؛ به این معنا که کشورها و حکومت‌ها بر پایه سه عنصر قدرت، سیاست و جغرافیا با یکدیگر مناسبات ژئوپلیتیکی دارند [14]. بازیگر ژئوپلیتیک شامل یک فرد، گروه (اقتصادی، قومی، مذهبی و ...)، نهاد یا سازمان (اقتصادی، اجتماعی و ...)، نظام حکومتی، نظام منطقه‌ای و غیره می‌شود که با بهره‌برداری از منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی جهت دستیابی به اهداف و منافع خود شرکت می‌کند. البته باید توجه داشت که زمانی یک بازیگر به بازیگر ژئوپلیتیک تبدیل می‌شود که جهت کنش در مناسبات از حداقل قدرت یعنی قدرت بازیگری در مقیاس ملی و بالاتر برخوردار باشد. به بیانی دیگر، بازیگر ژئوپلیتیک بازیگری با حداقل قدرت در مقیاس ملی است که با بهره‌برداری از منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی جهت دستیابی به اهداف و

از قبیل نارسایی‌های اقتصادی و انسداد سیاسی به بروز بحران‌های کنونی منجر شده و از طرف دیگر، به موازات تداوم بحران، بازیگران جدیدی پا به عرصه گذاشته‌اند که شاید پیوند چندانی با مطالبات مردمی و عوامل نارضایتی توده‌ها نداشته باشند [6]. از این رو تحقیق حاضر سعی بر آن دارد که با طراحی یک مدل مفهومی از مناسبات ژئوپلیتیک در این منطقه ضمن شناخت بازیگران حاضر، روابط و شکل مناسبات آن‌ها را با هم نیز به نمایش بگذارد. در واقع درک این مدل مفهومی به ژئوپلیتیسین‌ها این امکان را می‌دهد که بهترین استراتژی (کارآمد، کوتاه مدت، هزینه کم، آینده‌نگر) و بر اساس واقعیت‌های ژئوپلیتیکی را طراحی کنند.

چارچوب مفهومی پژوهش

۱- مدل

مدل، از ریشه لاتینی Modus به معنای اندازه گرفته شده است. مدل همچنین به ما کمک می‌کند که به متن و درون پدیده‌هایی که نمی‌توانیم مستقیماً آن‌ها را ببینیم هدایت شویم. مدل جزئی کوچک یا بازسازی کوچکی از یک شیء بزرگ است که از لحاظ کارکرد با شیء واقعی یکسان است [7]. به بیانی دیگر، مدل از نظر علمی، نوعی مقایسه یا تصویر ذهنی از پدیده‌ها با چیزی است که اغلب با آن آشنا هستیم. هدف از ارائه‌ی مدل، به دست آوردن تصویری تقریباً ذهنی یا عینی است، یعنی چیزی را مجسم کردن. هنگامی که نمی‌توان دید واقعاً چه اتفاقی روی می‌دهد، اغلب مدل‌ها با مقایسه با یک دستگاه آشنا به ما بینش ژرف تری می‌دهد که می‌تواند آزمایش‌های جدیدی را مطرح کند و یا اندیشه‌هایی را درباره‌ی دیگر پدیده‌های وابسته به وجود آورد که شاید روزی به وقوع بپیوندند [8]. در این میان مدل‌های مفهومی معمولاً بر روی درک محققان از پدیده تحقیق که در آن ساختارها و روابط در راستای دیدگاه محقق بیان شده، توسعه داده می‌شوند. سپس این مدل‌ها مورد آزمایش قرار گرفته و اصلاحات در آن‌ها گنجانده شده و برای تحقیقات بیش‌تر توصیه می‌شوند. مدل مفهومی یک چارچوب انعطاف‌پذیر فراهم می‌کند که می‌تواند در طول چرخه تحقیق مورد آزمایش و اصلاح قرار گیرد و در نهایت به شکل‌دهی نظریه با عبارات روشن کمک می‌کند [۳].

۲- ژئوپلیتیک

در طی دهه‌های گذشته تلاش‌های زیادی از سوی صاحب نظران و نظریه پردازان جهت تعریف و تشریح مفهوم ژئوپلیتیک صورت گرفته است. برخی از این تعاریف عبارتند از: -ژئوپلیتیک عبارتست از، مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین

جغرافیایی قدرت در محدوده بلافصل از نظر جغرافیایی قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، این بازیگران در بخش حاشیه و پیوسته با منبع جغرافیایی قدرت قرار دارند.

۲. بازیگران نیمه پیرامونی مبتنی بر مقیاس و نوع بازی: این نوع از بازیگران نیمه پیرامونی شامل بازیگرانی می‌شود که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر مقیاس و نوع نقش آفرینی در بخش حاشیه اما پیوسته با آن قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، این بازیگران از نظر جغرافیایی در کانون و مرکز قرار ندارند، بلکه مقیاس و نوع نقش آفرینی آن‌ها را به یک بازیگر نیمه پیرامونی مناسبات ژئوپلیتیک تبدیل کرده است.

ج) بازیگران پیرامونی: منظور از بازیگران پیرامونی عبارت از بازیگرانی هستند که در فراسوی منطقه نیمه پیرامون از نظر جغرافیایی یا نقش آفرینی مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات ژئوپلیتیک قرار دارند. این بازیگران پیرامونی را می‌توان در قالب دو گروه به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. بازیگران پیرامونی مبتنی بر موقعیت جغرافیایی: این نوع بازیگران پیرامونی شامل بازیگرانی می‌شود که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت در فراسوی منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر جغرافیایی قرار گرفته‌اند.

۲. بازیگران پیرامونی مبتنی بر مقیاس و نوع بازی: این نوع از بازیگران پیرامونی شامل بازیگرانی می‌شود که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر مقیاس و نوع نقش آفرینی در بخش حاشیه‌ای آن قرار گرفته‌اند.

نکته دیگری که در بحث مناسبات ژئوپلیتیک حائز اهمیت است، تغییر مناسبات بازیگران ژئوپلیتیک می‌باشد و مبتنی بر این تغییر مناسبات بازیگران نیز تغییر موقعیت می‌دهند و این امکان وجود دارد که بازیگران مرکزی به بازیگران نیمه پیرامونی یا پیرامونی تبدیل شوند. بنابراین پویایی موجود در ارزش منابع جغرافیایی قدرت که متناسب با زمان و مکان تغییر می‌کنند، مناسبات بین بازیگران نیز دچار تغییر شده و جایگاه بازیگران (مرکزی، نیمه پیرامونی و پیرامونی) نیز در مناسبات دچار تغییر و دگرگونی می‌شود [13].

منافع خود شرکت می‌کند [13]. همان‌طور که قبلاً اشاره شد بازیگران حاضر در مناسبات ژئوپلیتیک را می‌توان در قالب بازیگران مرکزی، نیمه پیرامونی و پیرامونی تقسیم بندی کرد: الف) بازیگران مرکزی: منظور از بازیگران مرکزی عبارت از بازیگرانی است که در بطن و کانون مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت قرار دارند. این بازیگران مرکزی را می‌توان در قالب سه گروه به صورت ذیل دسته بندی کرد:

۱. مرکزیت و کانونیت مبتنی بر موقعیت جغرافیایی: این نوع از بازیگران مرکزی شامل بازیگرانی می‌شود که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت در کانون و مرکز از نظر جغرافیایی قرار گرفته‌اند.

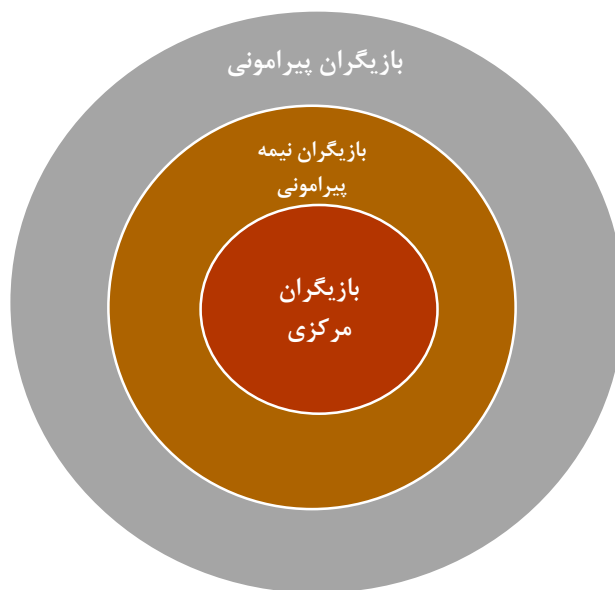
۲. بازیگران مرکزی و کانونی مبتنی بر مقیاس و نوع بازی: این نوع از بازیگران مرکزی شامل بازیگرانی می‌شود که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر مقیاس و نوع نقش آفرینی در کانون و مرکز قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، این بازیگران از نظر جغرافیایی در کانون و مرکز قرار ندارند، بلکه مقیاس و نوع نقش آفرینی آن‌ها را به یک بازیگر مرکزی مناسبات ژئوپلیتیک تبدیل کرده است.

۳. بازیگران مرکزی و کانونی مبتنی بر ترکیب موقعیت جغرافیایی و مقیاس و نوع بازی: این نوع بازیگران مرکزی شامل بازیگرانی می‌شود که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت، هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر سطح و نوع نقش آفرینی دارای کانونیت و مرکزیت هستند.

ب) بازیگران نیمه پیرامونی: منظور از بازیگران نیمه پیرامونی عبارت از بازیگرانی هستند که در محدوده بلافصل جغرافیایی یا نقش آفرینی مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات ژئوپلیتیک قرار دارند. این بازیگران نیمه پیرامونی را می‌توان در قالب دو گروه به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. بازیگران نیمه پیرامونی مبتنی بر موقعیت جغرافیایی: این نوع بازیگران نیمه پیرامونی شامل بازیگرانی می‌شود که در مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منبع (منابع)

شکل (۱): مدل مناسبات ژئوپلیتیک



روش تحقیق

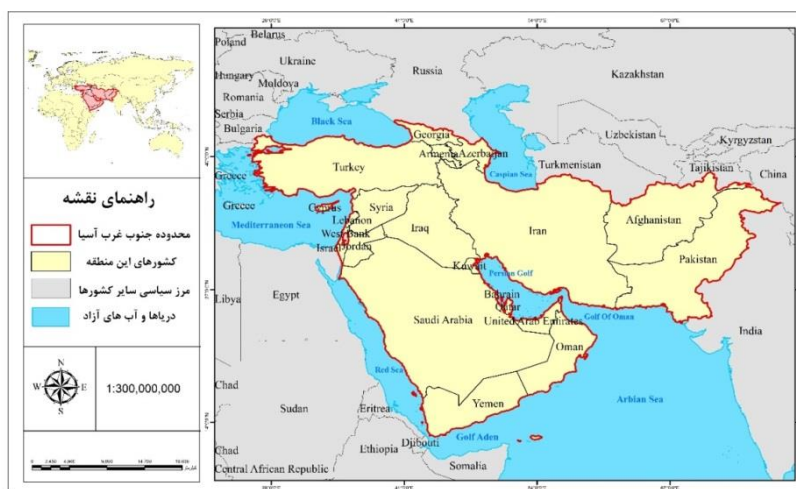
۱- روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ روش شناسی ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد. گردآوری اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش به شیوه اسنادی (کتابخانه‌ای و فیش برداری)، استفاده از منابع و مقالات، تحلیل‌ها و گزارش‌های علمی می‌باشد. این تحقیق با توجه به رویکرد ژئوپلیتیکی آن، اولین تحقیق علمی-ژئوپلیتیکی در تبیین مدل مفهومی مناسبات ژئوپلیتیکی بین بازیگران می‌باشد. سوال اصلی این تحقیق، این است که مدل مفهومی مناسبات بازیگران ژئوپلیتیک چگونه قابل ترسیم است؟

۲- منطقه مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه این تحقیق، منطقه ژئوپلیتیکی «جنوب غرب آسیا» می‌باشد. این منطقه ژئوپلیتیکی ۱۹ کشور مستقل را شامل می‌شود که عبارت از ایران، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، عربستان، یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد (براساس نظر جمعی از اعضای هیأت مدیره انجمن ژئوپلیتیک ایران در جلسه مورخ ۱۵ / ۴ / ۱۳۸۷) (نقشه ۱).

نقشه (۱): موقعیت جغرافیای منطقه جنوب غرب آسیا



(منبع: ترسیم نگارنده، ۱۳۹۹)

کشور وجود داشته است. در حال حاضر نیز روابط میان این دو کشور تنش آلود است و در برخی از حوزه‌ها نظیر سوریه، عراق، یمن و بحرین به رویارویی غیرمستقیم انجامیده است. این روابط واجد ویژگی‌های ژئوپلیتیک، استراتژیک و ایدئولوژیک است و تأثیر هر کدام از این مولفه‌ها در تنش‌های میان این دو کشور غیرقابل انکار است [16]. تفسیرهای متفاوت از اسلام، تمایل برای رهبری جهان اسلام، سیاست‌های نفتی متضاد و رابطه با ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی همواره موجب منازعات در روابط این دو کشور بوده است.

۲- مناسبات بین بازیگران مرکزی و کانونی با بازیگران نیمه پیرامونی

بازیگران نیمه پیرامونی در منطقه جنوب غرب آسیا عبارتند از: چین، عراق، امارات متحده عربی و قطر. مناسبات ژئوپلیتیک چین مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر مقیاس و نوع نقش‌آفرینی در بخش حاشیه اما پیوسته با آن قرار گرفته است. به بیان دیگر، درست است که این کشور از لحاظ جغرافیایی در منطقه جنوب غرب آسیا قرار ندارد اما متناسب با سطح کنش‌گری خود به یک بازیگر نیمه پیرامونی تبدیل شده است. مناسبات ژئوپلیتیک امارات و قطر نیز مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت در محدوده بلافصل از نظر جغرافیایی در بخش حاشیه اما پیوسته با آن قرار گرفته است و آن‌ها را به بازیگران نیمه پیرامونی تبدیل کرده است. برای مثال از مناسبات ژئوپلیتیک بین بازیگر مرکزی و کانونی با بازیگر نیمه پیرامونی، روابط ایران (بازیگر مرکزی) و چین (بازیگر نیمه پیرامونی) به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت.

روابط ایران و چین هم قدیم و هم جدید است. قدیم از آن روی که این دو مهم‌ترین امپراطوری‌های شرق بوده‌اند و روابط خاصی چون جاده تاریخی ابریشم و نفوذ فرهنگی متقابل داشته‌اند. علت جدید بودن روابط ایران و چین در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی، می‌توان به زوال و حاشیه رفتن این دو کشور و دست‌خوش استعمار شدنشان اشاره کرد. در دوران پس از جنگ دوم جهانی نیز ایران در جبهه غرب و سرمایه‌داری و چین در جبهه شرق و کمونیست قرار گرفتند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و بعد از دسامبر ۱۹۷۸ در چین جای این دو کشور عوض شد. به عبارت دیگر، ایران با شعار نه شرقی و نه غربی در مسیر انقلاب‌گری قرار گرفت و چین با پذیرش رهبریت آمریکا در سرمایه‌داری در مسیر توسعه‌گرایی قرار گرفت. پس از درگیر شدن ایران در جنگ با عراق، چین مهم‌ترین گزینه تامین تسهیلات برای ایران بود. بعد از سال

جنوب غربی آسیا به‌طور تاریخی یکی از کانون‌های عمده پیدایش تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرین بشر و از محورها و مسیرهای عمده تبادل فرهنگی، علمی و تجاری بین شرق و غرب عالم بوده است و بیش از ۹۰ درصد مردم کشورهای این منطقه مسلمان هستند [۴]. منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن امکانات و موقعیت‌های ممتاز جغرافیایی و همچنین با داشتن منابع غنی از اهمیت ویژه ژئوپلیتیک برخوردار می‌باشد. این منطقه که در محل اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار دارد، محل پیدایش اولین تمدن بشری بوده و خاستگاه اولیه ادیان توحیدی به شمار می‌آید. برخی از کشورهای این منطقه به علت موقعیت خاص جغرافیایی و منابع سرشار نفت و گاز از حساسیت ژئوپلیتیک بسیار بالایی برخوردارند. وجود تنگه‌های مهم و استراتژیک مانند هرمز (ایران و عمان)، داردانل و بسفر (ترکیه)، تیران (مصر و عربستان)، باب‌المندب (جیبوتی و یمن) اهمیت این منطقه را بیش‌تر نشان می‌دهد [۱۵].

یافته‌های تحقیق

۱- مناسبات بین بازیگران مرکزی و کانونی با یکدیگر

بازیگران مرکزی و کانونی منطقه جنوب غرب آسیا عبارتند از: ایران، عربستان، ترکیه و ایالات متحده آمریکا. مناسبات ژئوپلیتیک ایران و عربستان مبتنی بر ترکیب موقعیت جغرافیایی (نزدیکی به منبع یا منابع قدرت) و مقیاس و نوع بازی (قدرت و وسعت نقش‌آفرینی یک بازیگر) می‌باشد. مناسبات ژئوپلیتیک ترکیه مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت در کانون و مرکز از نظر جغرافیایی قرار گرفته است و اما آمریکا مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر مقیاس و نوع نقش‌آفرینی در کانون و مرکز قرار گرفته است. به بیان دیگر، این بازیگر از نظر جغرافیایی در کانون و مرکز قرار ندارد، بلکه مقیاس و نوع نقش‌آفرینی آن را به یک بازیگر مرکزی مناسبات ژئوپلیتیک تبدیل کرده است. برای مثال از مناسبات ژئوپلیتیک دو بازیگر مرکزی و کانونی باهم، روابط ایران و عربستان به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت.

ایران و عربستان دو کشور مهم و استراتژیک در سطح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس هستند و این دو همواره روابطی توأم با فراز و نشیب‌های فراوان را در تاریخ تعاملات خود تجربه کرده‌اند. این روابط با وقوع انقلاب اسلامی ایران وارد فاز جدیدی شده و حالت خصمانه‌تری پیدا کرده است. هر چند در برخی از ادوار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاهد گسترش روابط و تنش‌زدایی میان این دو کشور بوده‌ایم؛ اما همواره میزانی از رقابت و خصومت میان این دو

۱۹۹۰ تاکنون نیز این دو کشور در بعد اقتصادی همکاری‌های بسیاری داشته‌اند [17].

۳- مناسبات بین بازیگران مرکزی و کانونی با

بازیگران پیرامونی

بازیگران پیرامونی در منطقه جنوب غرب آسیا عبارتند از: افغانستان، هند، کویت، بحرین و پاکستان. مناسبات ژئوپلیتیکی هند مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر مقیاس و نوع نقش آفرینی در بخش حاشیه‌ای قرار گرفته‌است. مناسبات ژئوپلیتیکی افغانستان و پاکستان نیز مبتنی بر منبع (منابع) جغرافیایی قدرت در فراسوی منبع (منابع) جغرافیایی قدرت از نظر جغرافیایی قرار گرفته‌اند. برای مثال از مناسبات ژئوپلیتیکی بین بازیگر مرکزی و کانونی با بازیگر پیرامونی، روابط عربستان (بازیگر مرکزی) و پاکستان (بازیگر پیرامونی) به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت.

روابط دوجانبه میان پاکستان و عربستان به‌صورت تاریخی بسیار دوستانه و نزدیک است. عربستان سعودی یکی از قوی‌ترین حامیان پاکستان در زمان جنگ‌های پاکستان و هند بود، و با تأسیس کشور بنگلادش از پاکستان شرقی در سال ۱۹۷۱ میلادی مخالفت می‌کرد. عربستان در مورد مناقشه کشمیر از موضع پاکستان حمایت می‌کند و حامی موضع این کشور در روند صلح هند و پاکستان است. این دو کشور، حمایت مالی و سیاسی گسترده‌ای برای پشتیبانی از طالبان و مجاهدین افغان در جنگ شوروی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰

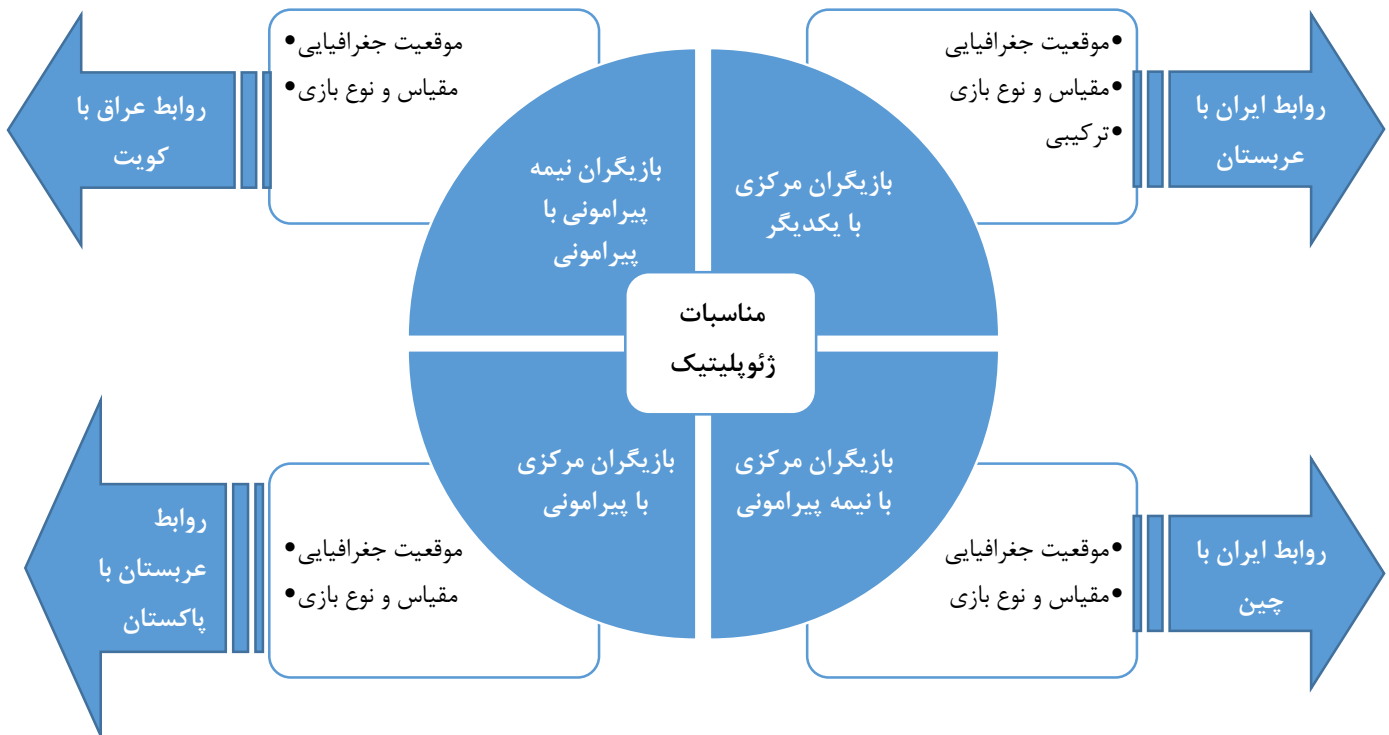
میلادی انجام دادند و در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ میلادی در جریان جنگ خلیج فارس، پاکستان برای محافظت از اماکن مقدس در عربستان سعودی، نیروهای نظامی گسیل داشت [18]. عربستان یکی از بزرگ‌ترین مشارکت‌کنندگان در ساخت مساجد و مدرسه‌های مذهبی در سراسر پاکستان نیز هست.

۴- مناسبات بین بازیگران نیمه پیرامونی با

بازیگران پیرامونی

برای مثال از مناسبات ژئوپلیتیکی بین بازیگر نیمه پیرامونی با بازیگر پیرامونی، روابط عراق (بازیگر نیمه پیرامونی) و کویت (بازیگر پیرامونی) به‌طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت. به رغم پیشرفت چشم‌گیر در روابط عراق و کویت در چند سال اخیر، اما همچنان جو سنگینی از بی‌اعتمادی توأم با نگرانی، بر فضای مناسبات این دو کشور خیمه زده که بخشی زیادی از آن ریشه در حوادث سال‌های ۹۰ و ۹۱ (اشغال کویت توسط صدام و ملزم شدن عراق به پرداخت غرامت به این کشور) و بخشی متأثر از رقابت‌های اقتصادی این دو کشور در دهانه خلیج فارس دارد. مسئله حق کشتیرانی در منطقه «خور عبدالله» و حد و مرز آب‌های منطقه‌ای نیز یکی از مسائل حساس میان عراق و کویت است که همواره طرح آن سبب جنجال سیاسی در دو کشور شده است [19].

شکل (۲): مدل مفهومی مناسبات ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا



نتیجه گیری

مدل‌ها در عرصه علمی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند، چرا که آن‌ها در واقع یک نمایش ساده شده یا انتزاع واقعیت می‌باشند. آن‌ها یک رویداد، شی، یا فرآیند واقعی را توصیف، بازتاب، یا تکرار می‌کنند، اما آن را "توضیح" نمی‌دهد. به بیانی دیگر، مدل‌ها روابط بین یک سیستم را به خوبی مشخص می‌کنند و در قالب یک شکل به نمایش می‌گذارند. در تحقیق حاضر نیز ابتدا تعریفی نو از ژئوپلیتیک که در آن، ژئوپلیتیک دانش شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی در نظر گرفته شد [13] و در گام بعدی مناسبات ژئوپلیتیک در منطقه جنوب غرب آسیا در قالب یک مدل آورده شد. هنگامی که از مناسبات ژئوپلیتیک صحبت به میان می‌آید، منظور مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت است. درست است که در تعریف ژئوپلیتیک عنوان بازیگر نیامده است اما این مفهوم مستتر در مناسبات است، زیرا هیچ مناسبتی به صورت یک‌طرفه و بدون بازیگرانی که در آن قرار دارند، شکل نمی‌گیرد. به هر میزان منبع جغرافیایی قدرتی که زمینه‌ساز مناسبات ژئوپلیتیک است از ارزش بیشتری برخوردار باشد، زمینه برای جذابیت بیشتر جهت ورود و نقش‌آفرینی بازیگران بیش‌تر و بزرگ‌تری را فراهم می‌آورد. با توجه به گستردگی و تنوع بازیگران حاضر در مناسبات ژئوپلیتیک شناخت آن‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها، آن‌گونه که بایسته و شایسته است، امکان‌پذیر نیست. اما به صورت کلی جهت شناخت و درک پایه‌ای بازیگران حاضر در مناسبات ژئوپلیتیک می‌توان آن‌ها را در قالب بازیگران مرکزی، نیمه پیرامونی و پیرامونی تقسیم بندی کرد. منظور از بازیگران مرکزی، بازیگرانی است که در بطن و کانون مناسبات ژئوپلیتیک مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت قرار دارند. این نوع بازیگران براساس موقعیت جغرافیایی، مقیاس و نوع بازی و یا ترکیبی در مرکز و کانون قرار می‌گیرند. بازیگران نیمه پیرامونی نیز در محدوده بلافصل جغرافیایی یا نقش‌آفرینی مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات ژئوپلیتیک قرار دارند. آن‌ها براساس موقعیت جغرافیایی و نوع و سطح بازی در بخش حاشیه و پیوسته با منبع (منابع) به نقش‌آفرینی می‌پردازند و در آخر بازیگران پیرامونی براساس موقعیت جغرافیایی و نوع و سطح بازی در بخش حاشیه‌ای و فراسوی ناحیه نیمه پیرامونی قرار دارند. در ادامه نیز مناسبات

ژئوپلیتیک بازیگران مرکزی و کانونی با یکدیگر، بازیگران مرکزی با بازیگران نیمه پیرامونی، بازیگران مرکزی با بازیگران پیرامونی و بازیگران نیمه پیرامونی با نیمه پیرامونی مورد بررسی قرار گرفت و یک مدل مفهومی برای مطالب ترسیم شد.

تشکر و قدردانی: نویسندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی جهت حمایت‌های مالی و معنوی از مقاله کمال تشکر را دارند

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: "محسن جان پرور (نویسنده اول) ۵۰ درصد و خانم دریا مازندرانی (نویسنده دوم) ۵۰ درصد"

منابع

- 1- Meredith, Jack (1993): "Theory Building through Conceptual Methods", International Journal of Operations & Production Management, Vol 13, Iss 5, pp, 3-11.
- 2- Powell-Morse, Andrew (2017): Conceptual Models – What Are They and How Can You Use them?
- 3- Elangovan. N & Rajendran. R (2015): Conceptual Model: A Framework for Institutionalizing the Vigor in Business Research, Third National Conference on Indian Business Management, pp, 1-35.
- 4- Yaaghobi, samere & ezati, ezatalah & Roomina, ebrahim (2019): Explain the pattern of regional integration; The case of Southwest Asia, Geographical Quarterly of sarzamin (63) 16, 47-94. [In persian]
- 5- Abdy, Ataolah & Hoseiny, Seyed mohammad Hosein & Sadeghy, Vahid (2016): Reconstruction of Southwest Asia Developments Based on Geopolitical Competition between Iran and Turkey, Foreign Policy Quarterly (2) 29, 117-139. [In persian]
- 6- Rostami, Mohhammadreza (2016): Instability in West Asia (Middle East), regional actors and transregional actors (94) 24, 166-202. [In persian]
- 7- Gorji, sajad & Barkhordari, Ebrahim (2009): Fundamentals of research

- methods in social sciences. Tehran. Sales publish. [In persian]
- 8- Tohidi, Ahmad (2015): Model, theory and law, derived from:
 - 9- Taylor, Peter J (1994): Political Geography. England: Longman Scientific & Technical.
 - 10- Cohen, Sual B. (1994): Geopolitics in the new world era. Chapter 2 form Reordering the world, Edited by: George J. Demko and William B. Wood. USA: Westview Press.
 - 11- Mirheydar, Dorre (1998): Geopolitics; Provide a new definition, Geographical Research Quarterly (4) 13. [In persian]
 - 12- Ezaty, Ezatalah (2001): Geopolitics in the 21st Century. Tehran. Samt publish. [In persian]
 - 13- Janparvar, Mohsen. Geopolitics for all (with introduction by Dr. Pirooz Mojtahedzadeh and Dr. Mohammad Reza Hafeznia). 1. Tehran. Entekhab Publish. 2017. [In persian]
 - 14- Hafeznia, Mohammadreza. Geopolitical principles and concepts. Mashhad. Papoli Publish. 2006. [In persian]
 - 15- Poorfikoey, Ali. A look at the geopolitical issues of the contemporary world. 1. Mashhad. Vagheii Publish. 1995. [In persian]
 - 16- Moosavi dehmordi, Seyedmohammad (2016): History of Iran-Saudi Arabia relations since the time of Reza Shah until now (cycle of competition and confrontation), Persian Gulf Cultural and Political Studies (9), 71-93. [In persian]
 - 17- Shariatinia, Mohsen (2012): Determinants of Iran-China Relations, Foreign Relations Quarterly, Foreign Relations Quarterly (2)4, 179-210. [In persian]
 - 18- Prithvi Ram, Mudiam (1994): India and the Middle East. British Academic Press. pp. 88-94. ISBN 1-85043-703-3.
 - 19- News Agency of the Islamic Republic of Iran 1313, Irana, Iraq-Kuwait relations, news code: 83421052.